

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾:

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾:

بعد أن قرّر الإنسان أن يكون عبداً لله وفرداً من أفراد حزب الله سبحانه وتعالى، وما يتبع هذا القرار من طاعة لخليفة الله في أرضه، وقبول قوانين الله وحاكميته، والعمل على إقرار الشريعة الإلهية والحكم الإلهي في الأرض، وتحمل المشقة التي سيلاقيها من الطواغيت وعبيدهم، الذين يمثلون حزب الشيطان المقابل لحزب الله. عليه أن يعرف من هو خليفة الله، وما هي التشريعات الإلهية والعقائد الصحيحة، ثم يعمل لطاعة هذا الخليفة وتطبيق الشريعة، وهذا هو الطريق المؤدّي إلى الله سبحانه وتعالى؛ لأنّه سبحانه هو الحق وهذا هو الحق، ولعليّ أقول إنّ هذا الطريق هو أقصر طريق يعرفه الإنسان: ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (ق: ١٦)، ولكننا نتعثر بأعمالنا وسوء نياتنا، ونرضى بالجهل ونقصان العقل.

بعد از اینکه انسان اقرار کرد به اینکه بنده خدا و عضوی از اعضای حزب خداوند می‌باشد، و پیامدهای پس از این اقرار در اطاعت از خلیفه خداوند در زمینش، و پذیرفتن قوانین خداوند و حاکمیت او، و عمل بر اساس شریعت الهی و حکم الهی در زمین را پذیرا شد، و پس از تحمل سختی‌هایی از سوی طاغوتیان و بندگان حقیرشان - همان کسانی که تمثیل حزب شیطان در مقابل حزب خداوند می‌باشند - باید بفهمد که خلیفه و جانشین خداوند چه کسی است، و شرایع الهی و عقاید صحیح کدام است، و سپس در راستای اطاعت از این خلیفه و تطبیق دادن شریعت اقدام به عمل نماید. این همان راهی است که به خداوند سبحان و متعال منتهی می‌گردد؛ چرا که خداوند سبحان، حق است و این راه هم حق؛ و حتی

می‌گویم این راه، کوتاهترین راهی است که انسان آن را می‌شناسد: ﴿وَمَا  
از رگ گردن به او نزدیکتریم﴾ (ق: ۱۶)، ولی ما به واسطه اعمالمان و  
بدی نیت‌هایمان دچار لغزش، و به جهل و نقصان عقل راضی می‌شویم.

وعلى كل حال أقول: إنَّ ما يحتاجه من اختار أن يكون عبداً لله، هو العلم  
والمعرفة أولاً، ثم العمل والتطبيق. ومن أين له العلم، ومن أين له التوفيق للعمل  
به. ولهذا جاء النداء: (اهدنا الصراط المستقيم).

در هر صورت می‌گویم: تنها چیزی که انسان نیاز دارد تا بندگی خداوند را  
برگزیند، در وهله اول علم و معرفت و پس از آن عمل و پیاده‌سازی می‌باشد.  
اما این علم از کجا حاصل می‌شود و توفیق این عمل کردن چگونه برایش به  
دست می‌آید؟! از همین رو این ندا برمی‌آید: «اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (ما  
را به راه راست هدایت فرما).

اهدنا يا الله يا كامل (الحمد لله)، اهدنا يا رب العالمين، يا مربى الخلق، يا  
مكملهم (رب العالمين). اهدنا يا أرحم الراحمين برحمتك الواسعة التي وسعت  
كل شيء، حتى من لم يعرفك ومن لم يسألك، وبرحمتك الشديدة العظيمة التي  
قبلت بها السحرة، بعد أن كانوا أعداءك ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾، اهدنا، فنحن  
نحيا في مملكتك التي أغتصبها الظالمون وحزب الشيطان من خليفتك وحزبك  
﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾.

هدایت‌مان کن ای الله، ای کامل (الْحَمْدُ لِلَّهِ)، هدایت‌مان کن ای پروردگار  
جهانیان، و ای پرورش دهنده خلق، و ای به کمال‌رساننده آنها (رَبُّ  
العالمين). هدایت‌مان کن ای بخشندترین بخشایندهگان، به آن رحمت وسیعت  
که همه چیز را در بر گرفته است؛ حتی آن کس که تو را نمی‌شناسد و از تو  
درخواست نمی‌کند، و به آن رحمت شدید عظیمت که با آن ساحران را، پس  
از اینکه دشمن تو بودند، پذیرا شدی ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾. ما را هدایت

فرما، که ما در مملکت تو که ستمگران و حزب شیطان آن را از جانشین و حزبت غصب کرده‌اند، زندگی می‌کنیم ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾.

اهدنا یا من اخترنا عبادتک والانضمام إلى حزبک، بعونک وحوک وقوتک ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾، اهدنا لمعرفة خلیفتک وشریعتک، واهدنا لطاعته والعمل بالشریعة: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾. اهدنا، عرفنا، وفقنا، سدّ نقصنا وتکفل مؤنتنا.

هدایت‌مان کن ای که با یاری و حول و قوّهات، ما را برای بندگمات و پیوستن به حزبت برگزیدی ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾. هدایت‌مان کن تا جانشین و شریعتت را بشناسیم. هدایت‌مان کن تا او را اطاعت کنیم و به شریعتت عمل نماییم: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾. ما را هدایت فرما، شناخت عنایت فرما، توفیق‌مان ده، نقص‌های ما را برطرف کن و روزی‌مان را تکفل فرما.

**والصراط:** الابتلاع بسرعة كبيرة، وسمي به هذا الطريق؛ لأنك ما أن تضع قدمك في أوله وبنية خالصة لله، حتى تجد نفسك قد وصلت إلى آخره.

**صراط** یعنی بلعیدن با سرعت بسیار. این راه به این دلیل چنین نامیده شده است که، همینکه پایت را در ابتدای آن با نیت خالص برای خداوند بنهی، خود می‌بینی که به آخرش رسیده‌ای.

وهذا ما ورد عنهم (عليهم السلام)، إنَّ بعضَ المؤمنین یمرّون علی الطريق کالبرق الخاطف ([#])، وورد عن أمير المؤمنین (عليه السلام) في نهج البلاغة: (وبرق له لامع كثير، فأبان له الطريق وسلك به السبيل، وتدافعت الأبواب إلى باب السلامة ودار الإقامة) ([##]).

[#]- مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام) : ج ٢ ص ٧، عنه بحار الأنوار : ج ٨ ص ٦٧.

[##]- نهج البلاغة : ج ٢ ص ٢٠٤، عنه بحار الأنوار : ج ٦٦ ص ٣١٦.

چنین مضمونی در برخی روایت معصومین (علیهم السلام) وارد شده است ، که بعضی از مؤمنین از این راه ، رعد آسا عبور می‌کنند. از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه روایت شده است: (یک مرتبه برقی از دورن او می‌جهد ، و راه را برایش روشن می‌کند و مسیر را با آن طی می‌کند، و از این در به آن در و از این منزل به آن منزل می‌رود تا به درب سلامت و منزل‌گاه نهایی می‌رسد).

المستقيم الذي يوصلنا إليك في طريق الإنابة والرجوع من عالم المادة إلى عالم العقل مروراً بعالم الملكوت. ونحن في جميع هذه العوالم فقراء نستجدي فيضك وكرمك، فنتحصن بك من شرور خلقك في عالمي الكثرة والمتنفيات، عالمي الملك والملكوت، أو عالمي المادة والمثال. ونعتصم بك في عالم العقل والكيلات. فمثلاً كالأعمى عندما يريد عبور الطريق، يحتاج إلى من يمسك معصمه ويوصله إلى الجانب الآخر. ثم إننا نرجو عونك ومددك دائماً وأبداً، من عالم الحقيقة الممتنع على خلقك.

راه مستقیمی که ما را در مسیر انابه و بازگشت از عالم ماده تا عالم عقل پس از گذر از عالم ملکوت به تو می‌رساند؛ در حالی که ما در همه این عوالم فقیرانی هستیم که فیض و کرم تو را خواستاریم ، و از شرارتهای خلق در عالمهای کثرت و اختلافات ، یعنی عالمهای مُلک و مَلکوت ، یا عالمهای ماده و مثال، به تو پناه می‌جوییم . و در عالم عقل و کلیات نیز به تو چنگ می‌زنیم. مَثَل ما مثل کوری است که می‌خواهد از راهی عبور کند ، و به کسی احتیاج دارد تا دست او را بگیرد و او را به سوی دیگر برساند. ما همواره و همیشه و تا ابد چشم امید به یاری و مدد تو داریم؛ از عالم حقیقت که بر خلقت منع فرمودی.

قال أمير المؤمنين (عليه السلام) ما معناه: (إذا خاف أحد فليقل: تحصنت  
بذي الملك والملكوت، واعتصمت بذي القدرة والجبروت، واستعنت  
بذي العزة واللاهوت، من كل ما أخاف وأحذر، وبمحمد وعلي  
وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي  
ومحمد وعلي والحسن ومحمد (عليهم السلام)) ([###]).

[###]- انظر: إلزام الناصب: ج ٢ ص ٢١٨، مشارق أنوار اليقين: ص ٢٦٧.

اميرالمؤمنين (عليه السلام) در چنين معنایى میفرماید: (اگر کسی ترسید  
بگوید: پناه می‌برم به صاحب ملک و ملکوت، و چنگ می‌زنم به  
صاحب قدرت و جبروت، و یاری می‌طلبم از صاحب عزت و  
لاهورت، از هر چه از آن ترسان و نگرانم، و به محمد و علی و  
فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسى و علی  
و محمد و حسن و محمد (عليهم السلام)).

\*\*\*